

یک پرسش ...

می کند، زمان به کندي می گذرد.

پیرمرد پریوده است.

می شود. معنای آنها را نمی داند.

دانش آموز به کلاس، معلم او را صدا

برادر شما حرف ها را می شنود.

ایا تا به حال این فرصت پر ایتان

چراغ سبز می شود و ماشین ها به

هر چند پیرمرد با زیر دستی خطر

اهمیتی هم به این مسئله نمی دهد.

می زند، آتش دلهره ای که تازه در

معنای آن ها را نمی داند و

پیش آمده است که به تفاوت میان

حرکت در می آیند. زمین لغزنده

حادثه را دور می کند اما با این اتفاق

زمان می گذرد تا اینکه نوجوان به

دل نوجوان ما خلموش شده بود

برایش اهمیتی ندارد.

دخالت در زندگی شخصی دیگران و

است. ناگهان راننده ماشینی که

، او که زیر کوله پاری از مشکلات

مدرسه می رسد. او فردی همیشه

دوباره جان می گیرد. این دلهره

شب، خسته، به خانه باز می گردید.

بی تفاوتی اجتماعی و اثرات آن

همراه با تاکسی حرکت کرده است

قرار دارد: ناگاه و بدون هیچ قصدی

منضبط و منظم بوده است. پس،

کمی در پاسخگویی او تأخیر

برادر شما می خواهد تلوزیون

به خاطر لغزندگی زمین نمی تواند

کلماتی را که

تاخیر امروز که

می گذارد و نمی تواند مثل همیشه،

تماشا کند. شما نیز می خواهید

سریال مورد علاقه تان را ببینید.

تصور کنید در یک روز پارانی که

ماشین را به درستی کنترل کند

شایسته موهایی

به خاطر پارانی

به سوالات پاسخ کامل بدهد و

به ناگاه میان شما و برادر تان دعوا

مسدود شده است، می خواهید به

تاکسی برخورد کند ...

نثار راننده ی

است نمیتواند

خجالت زده می شود.

می شود. برادر شما ناخود آگاه حرف

محل کار خود پرورد. سوار تاکسی

راننده تاکسی زیر دست با توانایی و

ماشین می کند.

نظر مثبت ناظم

اتفاقا برادر نوجوان شما نیز در این

های نوجوان را که هیچ یک معنی

می شنود. راننده ای سالخورده با

سرعت عمل تمام تاکسی را از خطر

شما این کلمات

مدرسه را

مدرسه مشغول به تحصیل است.

آن ها را نمی داند به زبان می آورد.

رانندگی است. روی صندلی عقب

راننده ی تاکسی عزیز ما مدتی است

اما اهمیتی به این مسئله نمی دهید

تغییر بدهد. او با اینکه این مسئله را

بسیار ساده میان برادر شما و آن

نوجوان دعوی می آید.

است که با توجه به ترافیک سنگین

پرداخت کند. چند وقتی است

و سکوت می کنید ...

ناظم نامه ورود به کلاس را می گیرد.

نوجوان که به خاطر اتفاقات پیش

در ذهن سونامی ایجاد کند !!!

خیابان دلش شور دیر رسیدن به

همسرش بیمار شده است و دارویی

با خود می گویند: «چرا باید در

زندگی این پیرمرد که جای پدر

درس را از دانش آموزان داشته است.

حرف هایی که راننده تاکسی به

گران قیمت را مصرف می کند.

من است دخالت کنم؟»

معلم می داند که این نوجوان همیشه

راننده آن ماشین گفته بود را ناخود

اجتماعی یکسان است ؟؟؟

پایه اش را می زند.

قرض ها و بدهی ها امان را از

نوجوان دبیرستانی این کلمات را

پایه اش آمده است. با ورود

آگاه بازگو می کند ...

هنوز معتقدید که دخالت در

زندگی دیگران با بی تفاوتی

تاکسی پشت یک چراغ قرمز توقف

نوجوان دبیرستانی این کلمات را

پایه اش آمده است. با ورود

آگاه بازگو می کند ...

هنوز معتقدید که دخالت در

زندگی دیگران با بی تفاوتی

تاکسی پشت یک چراغ قرمز توقف

نوجوان دبیرستانی این کلمات را

پایه اش آمده است. با ورود

آگاه بازگو می کند ...

هنوز معتقدید که دخالت در

زندگی دیگران با بی تفاوتی

تاکسی پشت یک چراغ قرمز توقف

نوجوان دبیرستانی این کلمات را

پایه اش آمده است. با ورود

آگاه بازگو می کند ...

هنوز معتقدید که دخالت در

زندگی دیگران با بی تفاوتی

تاکسی پشت یک چراغ قرمز توقف

نوجوان دبیرستانی این کلمات را

پایه اش آمده است. با ورود

آگاه بازگو می کند ...

هنوز معتقدید که دخالت در

زندگی دیگران با بی تفاوتی

بی تفاوتی اجتماعی و یا

دخالت در زندگی مردم؟

علیرضا صبا

اصلی علمی معتقد است که پال زدن یک پروانه در جزایر هاوایی می تواند در ژاپن سونامی ایجاد کند !!!
هنوز معتقدید که دخالت در زندگی دیگران با بی تفاوتی اجتماعی یکسان است ؟؟؟